فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc464722748)

[استصحاب عدم ازلی و تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص 2](#_Toc464722749)

[تفاوت حجیت استصحاب عدم ازلی و عدم حجیت استصحاب عدم ازلی 3](#_Toc464722750)

[اقسام استصحاب عدم ازلی در موضوعات 3](#_Toc464722751)

[جریان استصحاب عدم ازلی در شبهات مصداقیه و حکمیه 4](#_Toc464722752)

[اقسام جریان استصحاب عدم ازلی در شبهات حکمیه 4](#_Toc464722753)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص

# اشاره

ذیل بحث سرایت اجمال خاص به عام در شبهه مفهومی و شبهه مصداقیه؛ به بحث استصحاب عدم ازلی در کفایه اشاره‌ای شد و دیگران هم به‌تبع بحث را مطرح کردند.

مباحثی که مطرح کردیم رسیدیم به اینجا که در شبهه مصداقیه خاص نمی‌شود به عام تمسک کرد؛ اما همه علماء قبول دارند برای تعیین وضع مصداق می‌شود به قطع یا امارات یا اصول عملیه مراجعه کرد، برای اینکه مصداقی را مشخص کنیم که مثلاً این فرد فاسق است یا نیست یا این زن قرشی هست یا نیست یا این همسایه دشمن هست یا نیست یا این شخص اموی هست یا نیست؛ برای تعیین وضعیت این مصادیق ازلحاظ شبهه‌ای که در تطبیق خاص بر آن‌ها بود؛ می‌توانیم به اصول و امارات مراجعه بکنیم، در قطع و امارات و اصول عملیه روشن است که می‌شود تمسک کرد، بحثی که در اینجا از حساسیت بالایی برخوردار است؛ این است که؛ آیا استصحاب عدم ازلی هم می‌تواند تعیین تکلیف بکند یا نمی‌تواند؟

مثلاً دلیل آمده است و گفته «اکرم العلماء» و دلیل دیگری گفته «لا تکرم العالم الفاسق»؛ در فردی که معلوم العلم و مشکوک الفسق است؛ شبهه مصداقیه خاص مانع می‌شود که به عام مراجعه بکنیم؛ البته با قطع‌نظر از این است که؛ دلیل دیگری وضعیت این فرد را ازلحاظ فسق روشن بکند، اگر از هیچ راهی مشخص نشد؛ نمی‌توانیم به اکرم و یا لا تکرم مراجعه بکنیم؛ باید سراغ اصول عملیه رفت ولی اگر راهی بود که معلوم کرد این شخص فاسق هست یا نیست معلوم می‎شود که مصداق اکرم هست یا لاتکرم.

## استصحاب عدم ازلی و تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص

اگر کسی استصحاب عدم ازلی را قبول بکند؛ اغلب موارد با این استصحاب؛ مصداق تعیین تکلیف می‌شود؛ برای اینکه شخصی که حالت سابقه او را در زمانی که موجود بوده؛ نمی‌دانیم؛ ولی حالت عدمی آن را می دانیم این استصحاب عدم ازلی او را وارد در عام می کند، چون سابقه عدمی مصادیق زیادی دارد؛ بالای نود درصد ازنظر موضوعی؛ استصحاب عدم ازلی این مصداق را به عام می‌برد.

بنابراین به عام در شبهه مصداقیه نمی‌توان تمسک کرد؛ \_جزء استثنائی که در قول ششم بود و بیان کردیم\_ منتها این عدم تمسک درصورتی است ‌که اصلی یا چیز دیگری؛ وضع این مصداق را ازلحاظ ورودش در خاص یا عام مشخص نکرده باشد.

## تفاوت حجیت استصحاب عدم ازلی و عدم حجیت استصحاب عدم ازلی

تفاوت قائلین به حجیت استصحاب عدم ازلی با قائلان به عدم حجیت استصحاب عدم ازلی در این است که؛ کسی که قائل به حجیت استصحاب عدم ازلی است؛ می‌گوید بالای نود درصد موضوع تعیین تکلیف می‌شود و موضوع داخل در عام می‌شود، اما کسی که قائل به عدم استصحاب عدم ازلی نباشد؛ موارد باقی‌مانده‌ای که مصداق وضعش مشخص نیست و سراغ اصول عملیه حکمی زیاد می‌شود.

استصحاب عدم ازلی فقط اختصاص به آنجایی که عامی یا خاصی و شبهه مصداقیه باشد؛ ندارد، استصحاب عدم ازلی انواع و اقسامی دارد که یک قسمش بحث ما است، قسم بحث ما این است که؛ عام و خاص آمده است و مصداقیت یک فرد برای خاص مشکوک است، مصداق عام هست؛ اما اینکه مصداق خاص هم هست یا نه؛ مشکوک است، با استصحاب عدم ازلی می‌گوییم که داخل در عام است.

قسم دیگر استصحاب عدم ازلی این است که؛ عامی واردشده و روی یک موضوعی آمده است؛ بدون اینکه خاصی باشد؛ خود موضوع صدقش بر این مشکوک است؛ مثلاً «لا تشرب الخمر» نمی‌دانم که این مایع خمر است یا خمر نیست، در اینجا استصحاب عدم ازلی را می‌شود جاری کرد؟!

## اقسام استصحاب عدم ازلی در موضوعات

بنابراین استصحاب عدم ازلی که می‌گوییم؛ در موضوعات لااقل بر دو قسم است:

1- عام و خاص و شبهه مصداقیه خاص باشد.

2- عنوانی است که کاری به عام و خاص ندارد؛ عنوانی واردشده؛ صدقش بر این فرد مشکوک است؛ با استصحاب عدم ازلی می‌خواهیم بگوییم که این مصداق اینجا نیست.

استصحاب عدم ازلی حتی در احکام هم محل بحث قرارگرفته است؛ مثلاً گفته شود که نمی‌دانم این حکم جعل‌شده است یا نه؟ آیا عدم ازلی در اصل عدم حکم داریم یا نه؟ مثلاً در احکام در یک سلسله‌مراتب وجودی؛ در یک مقاطعی جعل‌شده است و الاّ در مقطع قبل از آن؛ جعلی نبود، شبیه استصحاب شرایع سابقه‌داریم که می‌گوییم احکام شرایع سابق را استصحاب بکن، اگر حکم را در هیچ شریعتی نمی‌دانیم؛ اما احتمال می‌دهیم که حکم جعل‌شده باشد؛ آیا می‌شود استصحاب عدم جعل ازلی حکم بکنیم و بگوییم از ازل این حکم جعل نشده بود؛ برای اینکه جعل حکم برای زمانی است که؛ شرایع تأسیس بشود، قبل از اینکه شریعتی باشد؛ حکم نبوده است؛ استصحاب عدم حکم به شکل ازلی می‌کنیم که این هم یک مصداق دیگرش است.

### جریان استصحاب عدم ازلی در شبهات مصداقیه و حکمیه

بنابراین استصحاب عدم ازلی؛ هم در بحث شبهه مصداقیه خاص وارد است و هم در شبهه مصداقیه یک خطابی که بدون اینکه بحث عام یا خاص باشد و درجایی که بحث شبهه موضوعیه نیست بلکه شبهه حکمیه است؛ مثلاً نمی‌دانیم که این حکم جعل‌شده است یا نشده است؛ می‌گوییم در ازل جعل نشده بوده و الآن هم جعل نشده است.

غالباً می‌فرمایند استصحاب در شبهات حکمیه جاری است؛ برخلاف مرحوم آقای خوئی که می‌فرمایند در شبهات حکمیه به طور کلی استصحاب جاری نیست.

اگر کسی استصحاب عدم ازلی حکم را قبول داشته باشد؛ به برائت کمتر نیاز پیدا می‌کند.

بحث استصحاب عدم ازلی ازیک‌طرف در موضوعات اختصاص به عام و خاص جمله مصداقیه خاص ندارد، در اصل موضوع یک خطاب؛ این مطلب مطرح است.

از طرف دیگر؛ استصحاب عدم ازلی فقط اختصاص به موضوعات ندارد؛ حتی در احکام هم می‌تواند مطرح بشود.

### اقسام جریان استصحاب عدم ازلی در شبهات حکمیه

از طرف دیگر در خود موضوعات احکام که جاری می‌شود؛ انواع و اقسامی دارد؛ مثلاً گاهی در ذات موضوع مطرح می‌شود و گاهی در صفت موضوع مطرح می‌شود؛ بدون اینکه عام یا خاصی باشد؛ مثلاً گفته است «اطعم العالم الفقیر»، در عناوین اصلی مورد خطاب قرارگرفته‌اند؛ اعم از این است که؛ مشتقی که می‌خواهیم عدم ازلی جاری بکنیم؛ وصف برای آن ذات؛ وصف ذاتی باشد یا وصف عرضی باشد و وصف ذاتی باشد که به‌هیچ‌وجه قابل‌تفکیک نباشد یا قابل انقلاب باشد.

بنابراین دیدن این طیف از مسائل به شما این توجه را می‌دهد که استصحاب عدم ازلی؛ دائره بسیار وسیعی دارد؛ به همین دلیل هم هست که در اینجا به‌عنوان تکمله‌ای مطرح می‌شود؛ اما اصل بحث استصحاب عدم ازلی با آن طیف وسیع؛ در تنبیهات استصحاب است.